

بررسی تحولات مجموعه احمد بن موسی (ع) در شهر شیراز در دوره صفویه*

مرضیه بازیار^۱، دکتر علی اکبر حیدری^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی
^۲ دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۰۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۴

چکیده

بخش زیادی از آثار معماری اسلامی را بناهای آرامگاهی تشکیل می‌دهد. در میان این آثار مجموعه‌ها و بناهای زیارتگاهی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. بقعه احمد بن موسی (ع)، که سابقه وجودی‌اش به قرن هفتم ق می‌رسد، از مهم‌ترین بناهای زیارتگاهی شهر شیراز در طول دوره‌های مختلف بوده است. به رغم اهمیت این بقعه تاکنون تحقیق جامعی در زمینه معماری این بنا در دوره‌های مختلف تاریخی انجام نشده است و ابهامات زیادی درباره آن وجود دارد. در حالی که با درک این مهم، می‌توان به شناخت بخش مهمی از تاریخ شهر شیراز که در چنین مجموعه زیارتی شکل گرفته است، دست یافت. این مقاله قصد دارد تحولات بقعه در دوره صفویه و جایگاه آن را در شهر شیراز صفوی بررسی کند. لذا در این تحقیق تحولات بقعه به همراه بناهای هم‌پیوند آن، که به مثابه یک مجموعه کار می‌کردند، در دوره صفویه و در سیاق این دوره بررسی شده است؛ تحولاتی که سبب شکل‌گیری جایگاه جدیدی برای بقعه احمد بن موسی (ع) در شهر شیراز صفوی شده است. به علت نابودی بخش زیادی از کالبد صفوی و فقدان شواهد باستان‌شناسی حجم زیادی از داده‌های تحقیق از منابع مکتوب و تصویری دست اول و دست دوم و وقف‌نامه‌ها به دست آمده است. سپس شواهد موجود مثلث‌بندی، تحلیل، ارزیابی و تفسیر شده است تا روایتی تاریخی از مجموعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفوی به دست دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با آغاز حکومت صفویه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و ... جدیدی شکل گرفت که باعث ایجاد تحولاتی در بقعه شاه‌چراغ شد. با تغییر سیاست‌های نظام حاکم، هم‌چون رواج آیین تشیع، تغییر حامیان بقعه، و شکوفایی اقتصادی زمینه برای ساخت و ساز حول بقعه ایجاد شد: بناهایی با پیوندهای مختلف با بقعه که به منزله مجموعه‌ای شهری فعالیت می‌کردند. با شکل‌گیری این بناها و تنوع کارکردهای شهری آن‌ها و به علاوه موقعیت قرارگیری آن‌ها در شهر، ارتباط مجموعه با شهر بیش‌تر شد. گسترش موقوفات مجموعه نیز در شهر و بیرون از آن این ارتباط را افزایش می‌داد. بنابراین مجموعه احمد بن موسی (ع) در این دوره با تحولات مختلف و با توجه به شرایط زمانه جایگاه جدیدی در شهر شیراز پیدا کرد.

واژگان کلیدی: بقعه احمد بن موسی (ع)، مجموعه شهری، صفویه، شیراز.

مقدمه

هیلسن براند معماری تدفینی را عامل مهمی در درک جامعه قرون میانی ایران می‌داند؛ بناهایی که عملکردشان به تدریج از حالت ساده تدفینی به پیچیدگی گرایش یافت و این پیچیدگی در گسترش بافت اصلی معماری مربوط به آن متجلی شد (هیلسن براند، ۱۳۸۷: ۶۹). وی معتقد است آرامگاه بیشتر از دیگر بناهای معماری در ایران، به جز مسجد، مورد توجه عام قرار داشت (پیشین: ۵۸). وی رشد تشیع را اوج تحولات این مکان‌های مقدس می‌داند؛ مکان‌های مقدسی که از میان آنها مقبره امامان شیعه و بستگان آنها به «کانون‌های طبیعی تمایلات مذهبی مردم شیعه» تبدیل شد. اقبال شیعیان به این بناها آبادی و توسعه آنان را در پی داشت به گونه‌ای که زیارتگاه‌ها هسته مرکزی مجموعه‌هایی شدند که وسعتشان گاه به چندین جریب می‌رسید. به علاوه هیلسن براند از نقش عمده این مجموعه‌ها در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز سخن می‌گوید (پیشین: ۶۱).

حبیبی از ساخت مجموعه‌ها در بحث ساخت و بافت شهر از قرن یازدهم تا سیزدهم ق سخن می‌گوید. به عقیده وی ساخت عناصر خدماتی و تاسیساتی در دوره صفویه به اوج می‌رسد؛ مجموعه‌های بی‌شماری که با توجه به سیاق دوره در شهرهای مختلف ساخته شدند و برخی از آنها تا کنون باقی مانده‌اند و به مثابه عناصر اصلی شهرسازی و شهرنشینی سنتی شناخته می‌شوند (حبیبی، ۱۳۹۰: ۹۱). در واقع وی به شکل‌گیری نگرش مجموعه‌سازی و معماری - شهری در این دوره، که آن را مکتب اصفهان می‌نامد، معتقد است؛ مکتبی که در آن به منظور رونق و آبادانی شهر به جای بازسازی شهر کهن، مجموعه‌های شهری جدید در کنار شهر کهن ایجاد می‌شد (پیشین: ۹۸ و ۹۹).

شیلا بلر نیز از شرایط زمانه یا سیاق سخن می‌گوید و آن را عاملی می‌داند که زمینه گسترش مراکز زیارتگاهی را در دوره‌هایی خاص فراهم کرده است. وی مجموعه‌هایی چون مجموعه نطنز را محصول طبیعی شرایط زمانه خودش می‌داند و شکوفایی اقتصادی، اصلاحات دستگاه اجرایی و ... را عواملی می‌داند که زمینه‌ساز ساخت چنین مجموعه‌ای شده است. بلر در واقع مجموعه نطنز را الگویی برای بررسی معیارهای اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، و سیاسی‌ای به حساب می‌آورد که زمینه‌ساز شکوفایی مجموعه مزارها در ایران عهد ایلخانی شده است (بلر، ۱۳۸۷: ۱۲۰). وی بیان می‌کند که تشریح شکل‌گیری مجموعه مزار نطنز می‌تواند به روشن شدن چگونگی شکل‌گیری مجموعه‌های مشابه نیز کمک کند. بنابراین با توجه به این دیدگاه می‌توان دیگر بناهای زیارتگاهی را نیز در دوره‌های خاص و با توجه به سیاق و شرایط زمانه آن مطالعه کرد و از معیارهای اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و غیره‌ای سخن گفت که زمینه شکل‌گیری یا تحول آن مجموعه‌ها را در شهر فراهم کرده و به این طریق بر جایگاه آن‌ها در شهر اثر گذاشته است.

به اعتقاد اهری شهر انباشتی از لایه‌های حیات افرادی است که در آن زندگی کرده‌اند و این لایه‌ها هم‌چون لایه‌های زمین‌شناسی نیازمند بررسی دقیق‌اند و هرگونه اقدامی به فهم این لایه‌های انباشته بر هم نیاز دارد. چرا که «نتیجه هر کاوش و اقدامی بدون شناخت دقیق این لایه‌ها در کوتاه مدت یا بلند مدت فاجعه‌بار است» (اهری و حبیبی، ۱۳۹۴: ۹ و ۱۰). بنابراین خوانش تاریخی شهر و سیر تحول فضاهای مدنی آن آغاز هر اقدامی است. بقعه احمد بن موسی (ع)، برادر امام رضا (ع)، یکی از این فضاهای شهری است که در قرن هفتم ق در شیراز آشکار شد. از آن زمان تا کنون این بقعه از مهم‌ترین بناهای زیارتگاهی شیراز در ادوار گوناگون و محمل رویدادهای مختلف بوده است. در واقع این بنا بخش مهمی از تاریخ شهر شیراز را در طول حدود هشت سده در خود دارد و لایه‌های تاریخی انباشته بر هم آن در طول این هشت سده نیاز به فهم و مطالعه دقیق و بازخوانی دارد تا بخشی از تاریخ شهر شیراز و اوضاع و احوال زمانه خود را بنمایاند و مبنایی برای اقدام در آن را فراهم کند. لذا این مقاله به دنبال مطالعه بقعه احمد بن موسی (ع) در یکی از این دوره‌ها است.

دوره صفویه یکی از مهم‌ترین دوره‌ها در تاریخ بقعه احمد بن موسی (ع) و دوره آغاز تحولات مهم در بقعه از نظر معماری و شهرسازی است؛ تحولاتی که آثار آن از دوره صفویه تا دوره پهلوی اول برجها مانده بود. بنابراین هدف این مقاله جستجوی تحولات بقعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفویه با توجه به سیاق این دوره برای شناخت جایگاه آن در شهر شیراز صفوی است. در این مقاله تغییرات بقعه و بناهای هم‌پایوند آن، که با هم به منزله مجموعه‌ای واحد دیده می‌شوند، بررسی و نسبت این تغییرات با شهر شیراز در آن دوره مطالعه شده است تا چگونگی شکل‌گیری جایگاه جدید مجموعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفوی تبیین شود. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- در دوران صفویه و همراه با تحولات سیاسی- مذهبی آن دوران و تغییر حامیان و متولیان، بقعه از نظر کالبدی چه تغییراتی داشت؟ چه بناهایی به آن اضافه شد؟

- تغییرات کالبدی و شکل‌گیری کارکردهای جدید شهری مربوط به بقعه چه نسبتی با شهر داشته و چگونه جایگاه جدید بقعه را در شهر تعریف کرده بود؟

در اکثر منابعی که در مورد بقعه احمد بن موسی (ع) نوشته شده است تنها بخش‌هایی از کالبد بقعه با بهره‌گیری از متون دست اول و دوم توصیف شده است. در این منابع از اسناد یا وقف‌نامه‌ها که اطلاعات زیادی در مورد سیر تحول کالبد مجموعه در اختیار می‌گذارند استفاده نشده است و داده‌ها در قیاس با هم برای روشن کردن کالبد بقعه به کار گرفته نشده‌اند. نکته مهم دیگری که در این منابع مغفول مانده مجموعه بودن بنای احمد بن موسی (ع) است. در این منابع بقعه احمد بن موسی (ع) به صورت تک بنا دیده شده که

مرقد را در قرن چهارم ق در زمان حکومت عضدالدوله دیلمی ذکر کرده است. از آن جا که در منابع قرن چهارم ق و حتی منابع معتبر در دوره‌های بعد سخنی از وجود این مدفن در این زمان و یا پیدا شدن آن نیست چنین نظری منتفی است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۰۳ - ۱۰۵). پس از آن در سال ۷۴۴ ق، تاشی خاتون مادر شاه ابواسحق، بر بقعه احمد بن موسی (ع) که در مرکز شهر قرار داشت، گنبدی رفیع ساخت و مدرسه‌ای هم جنب آن بنا کرد (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۵۵ و ۲۵۶). وی مرقد خود را نیز در نزدیکی این بقعه ساخت (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۷). این بطوطه که در همین دوره (قرن هشتم ق) به شیراز سفر کرده بود، علاوه بر مدرسه از زاویه‌ای نیز یاد کرده است که در آن به مسافران طعام داده می‌شد (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۲۹). از این زمان به بعد بقعه احمد بن موسی (ع) تا آغاز دوره صفویه تعمیر نشد؛ چنان‌که در اوایل دوره صفویه بخش‌های زیادی از آن مخروبه و اثری از مدرسه نیز به جا نمانده بود (نامعلوم، ۹۴۷ ق). با آغاز دوره صفویه این بنا مورد توجه قرار گرفت و علاوه بر تعمیر اجزای آن، بناهای جدیدی نیز در اطراف آن ساخته شد.

نشان از عدم بررسی دقیق کالبد و منابع مربوط به آن است. این در حالی است که در دوره‌ای چون صفویه با اضافه شدن بناهایی، بقعه به صورت مجموعه درآمد و اضافه شدن این اجزا به بنا بر جایگاه بقعه در شهر و ارتباط آن با شهر اثر داشت. بنابراین تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی تحولات مجموعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفویه و در سیاق این دوره و در نسبت با شهر شیراز نپرداخته است.

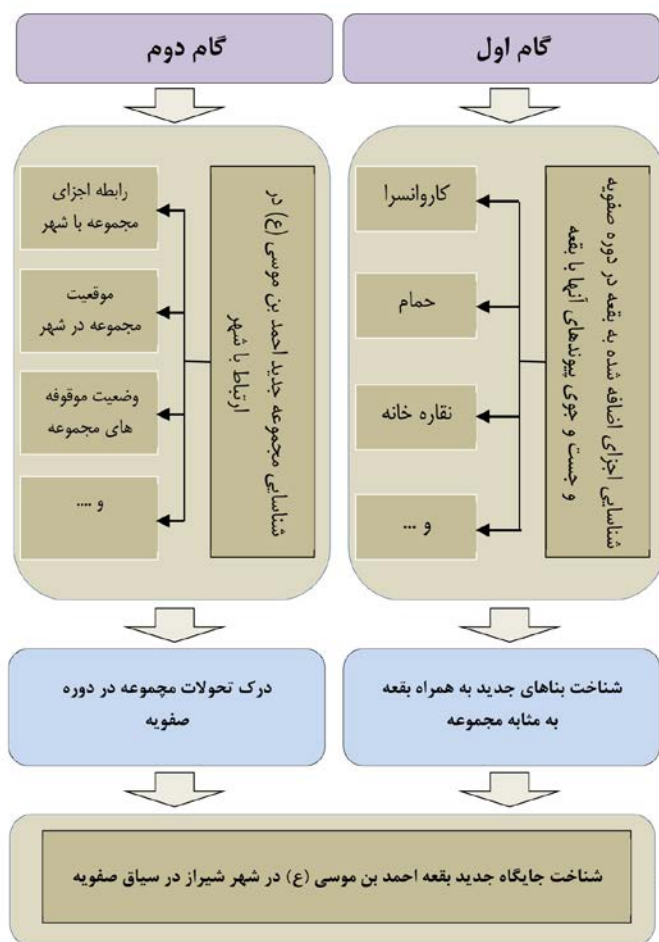
روش پژوهش

از کالبد مجموعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفویه تنها بقعه‌ای به جا مانده که تغییرات زیادی در آن ایجاد شده و دیگر بخش‌های مجموعه از بین رفته است، به علاوه شواهد باستان‌شناسی از این مجموعه در دست نیست. لذا در پژوهش حاضر اطلاعات از منابع دست اول و قابل استناد شامل متون تاریخی و جغرافیایی، وقف‌نامه‌های بقعه یا اجزای مجموعه در دوره‌های مختلف و تصاویر به جا مانده از مجموعه گردآوری شده است. پس از استخراج اطلاعات لازم، داده‌ها و شواهد با استفاده از روش تفسیری تاریخی، تجزیه و تحلیل شد تا در نهایت روایتی از تحولات بقعه

احمد بن موسی (ع) در سیاق دوره صفویه و تحولات و جایگاه آن در شهر به دست آید. برای رسیدن به این مهم ابتدا تحولات بقعه در دوره صفویه با توجه به تغییرات سیاق و حامیان بقعه بررسی شد و بناهای جدیدی که در این دوره در اطراف بقعه ساخته شده بود شناسایی گردید. سپس پیوندهای مختلفی که این بناها با بقعه برقرار می‌کردند مورد کنکاش قرار گرفت تا در مورد امکان شناخت این بناها به همراه بقعه به مثابه یک مجموعه بحث شود. در گام بعد تحولات از زاویه مقیاس شهری و ارتباط مجموعه با شهر مورد بررسی قرار گرفت؛ ارتباطی که با ساخت اجزای جدید در کنار موقعیت مجموعه در شهر و به علاوه موقوفات مجموعه به شکل دیگری با شهر برقرار می‌کرد. در نهایت با برداشتن این گام‌ها جایگاه جدید مجموعه در این دوره در شهر شیراز روشن شده است (نمودار شماره ۱).

یافته‌ها و بحث

محل دفن حضرت احمد بن موسی (ع)، برادر امام رضا (ع)، را در دوره اتابکان بین سال‌های ۶۲۳ تا ۶۵۹ ق یافتند و گنبدی بر آن ساختند (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۵۵). اما در مورد اولین بنای ساخته شده بر مدفن امام‌زاده میراحمد بن موسی (ع) نظر دیگری نیز وجود دارد. مؤلف ریاض الانساب، آشکار شدن



گام سوم

فرایند شکل‌گیری مجموعه جدید احمد بن موسی (ع) در دوره صفویه

پیش از آغاز حکومت صفویه سلطان مراد، آخرین سلطان آق‌قویونلو که حاکم عراق و فارس و یزد و کرمان بود (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۳۶۹) تولیت را از خاندان شریفی، که متولیان بقعه در دوره‌های قبل بودند، گرفته و به مخالفان آنان داد. علت این بود که در زمان سلطان مراد، که هنوز مکتب تشیع رواج نداشت و دین رسمی نبود، آباء میرزا حبیب‌الله که امام جمعه، منبردار و شیعه بودند، خطبه روز جمعه را به نام ائمه معصوم می‌گفتند. پس عده‌ای از مخالفان، سلطان مراد را به آزار و اذیت آن‌ها تحریک کردند. سلطان مراد نیز امر به غارت آنان کرد و تولیت بقعه را از آنان گرفت و به مخالفانشان تفویض کرد (نامعلوم، ۹۴۷ ق). سلطان مراد در سال ۹۰۸ ق در جنگ با شاه اسماعیل صفوی شکست خورد و حکومت آق‌قویونلوها بر این بخش از کشور به پایان رسید (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۳۷۰). پس از آن با آغاز حکومت صفویه و رواج تشیع، تولیت بقعه احمد بن موسی (ع) از طرف شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۴۷ ق بار دیگر به خاندان شریفی سپرده شده و میرزا حبیب‌الله شریفی متولی بقعه شد (نامعلوم، ۹۴۷ ق). خاندان شریفی در این دوره صاحب منصب‌های مهمی بودند. به گونه‌ای که برادر میرزا حبیب‌الله مقام صدارت شاه^۲ را عهده‌دار بود (رازی، ۱۳۷۸: ۲۴۱) و خود امیر محب‌الدین حبیب‌الله در دوره صفویه مدتی به قضاوت، کلاتری و شیخ‌الاسلامی^۳ شیراز مشغول بود (پیشین: ۲۴۳). در بخش‌های مختلف وقف‌نامه^۴ مربوط به احمد بن موسی (ع) در این دوره از وی با توصیفات چون «قاضی القضاة فی الممالک و البلاد» و «مزمین مسند شریعه و حاکمها» و «مشید قواعد المله و حامیها» و «الجایز به صنوف العلوم معقولا و منقولاً» و «الفایز به دقایقها فروعا و اصولاً» یاد شده است (نامعلوم، ۹۴۷ ق)؛

آن‌چه جایگاه مهم سیاسی و اقتصادی میرزا حبیب را در شیراز دوره صفوی نشان می‌داد و آن را تقویت می‌کرد.

وی در اوایل دوره صفویه با آغاز تولیت خویش به تعمیر بقعه و ساخت بناهایی در اطراف آن پرداخت. «از خالص مال خود [...] احداث نمود طنبی طولانی جنوبی جنب عالی و شاه‌نشین قبلی و پیشگاه جنوبی و ابنیه تحت آن جمله از مقابر و مناظر و راهرو و احداث کرد بقعه دو طبقه موسومه بکاظمیه قبلی آن جنب عالی و درگاه قبلی و طاقی عالی محیط بر آن و تاجگاه فوق آن را مزین ساخت به کتابه کاشی تراشی دومرتبه» (پیشین).

علاوه بر طنبی و شاه‌نشین و بناهای مربوط به آن و بقعه دو طبقه کاظمیه، میرزا حبیب بناهای دیگری نیز در اطراف بقعه ساخت.

«تمامی بنای کرباس مشهور به میدان واقعه در قبله طاق درگاه وصل بقعه کاظمیه که طول آن شمالاً فی الجنوب چهل ذرع و عرض آن قبله فی الصبا چهل و دو ذرع به ذراع معمول معین است و تمام ابنیه محیط اطراف آن از فخریات و حوائت و حجرات فوقانی مجموع دوطبقه و نقاره‌خانه مسقف و [...] و تمام حمام مشتمل بر بینه و خلف‌الباب و چهار صفه و دو خلوت گرم و یک خلوت سرد و خلوتخانه ازاره کاشی و حیاضین و قدرین موضوعین و تمام سقاخانه» (پیشین).

بنابراین در این دوره میدان یا کاروان‌سرای که بدنه آن دو طبقه بود در ضلع جنوبی بقعه ساخته شد. این بنا دکان‌ها و حجره‌هایی داشت. علاوه بر آن نقاره‌خانه‌ای مسقف، حمام و سقاخانه حول بقعه ساخته و همه آن‌ها وقف بر شاه‌چراغ شد. میرزا حبیب علاوه بر ساخت بناهای جدید بناهای به جا مانده از قبل را، مانند بقعه که بعضی قسمت‌های آن سقف نداشت و تا پایین خراب شده بود، تعمیر کرد. هم‌چنین صحن صبوی و تاق‌های آن را بازسازی کرد و بخش‌هایی را چون گنبد و آش‌خانه صبوی صحن قدیم و سنگ‌فرش‌های صحن، که بر اثر زلزله تخریب شده بود، دوباره ساخت (پیشین).

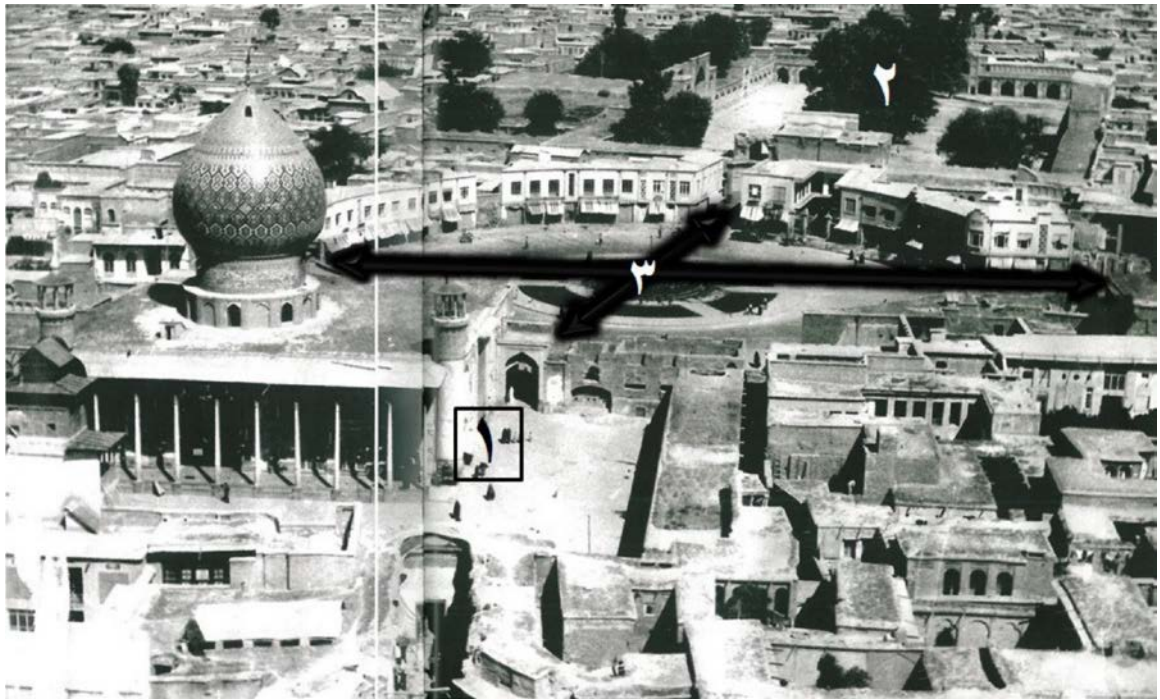
با مقابله و مقایسه متون و نقشه‌های به جا مانده می‌توان محدوده قرارگیری بقعه و بناهای اطراف آن را مشخص کرد. از نیمه دوم قرن نهم ق وقف‌نامه‌ای به جا مانده است که در شناخت موقعیت بقعه احمد بن موسی (ع) یاری‌گر است.^۴ در این وقف‌نامه موقعیت قرارگیری امام‌زاده احمد بن موسی (ع) و مسجد نو نسبت به هم توصیف شده است:

«وقف نمود [...] بر روضه [...] امام‌زاده معصوم سید میراحمد بن موسی [...] که واقع است در صدر محله للان از محلات شیراز، و باب رفیع جنبش مواجه باب مسجد جامع جدید است از جوامع دارالملک شیراز از مبینات پادشاه [...] اتابک سعدبن زنگی که واقع است در آخر کوچه چهارسوق اتابکی در وسط بلده مذکوره» (افشار، ۱۳۸۵: ۲۵۶).



تصویر شماره ۱: موقعیت قرارگیری امام‌زاده میراحمد (ع) و چهارسوق اتابکی و مسجد نو از قرن هفتم تا دوره پهلوی (قبل از تخریب چهارسوق اتابکی) به این صورت بود.

مأخذ تصویر پایه، افسر، ۱۳۵۳، نقشه ارتش در سال ۱۳۲۶ ش.



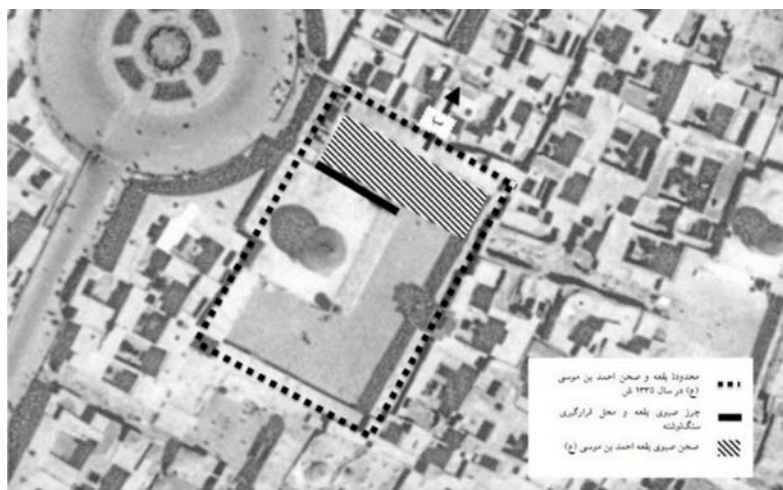
تصویر شماره ۲: بازسازی موقعیت قرارگیری امامزاده میراحمد (ع) و چهارسوق اتابکی و مسجد نو بر روی تصویری از دوره پهلوی (حدود دهه ۳۰ شمسی) پس از تخریب چهارسوق اتابکی. (۱) امامزاده احمد بن موسی، (۲) مسجد نو، (۳) چهارسوق اتابکی. مأخذ تصویر پایه: کاراندیش و زارع، ۱۳۹۰: ۸۶ و ۸۷



تصویر شماره ۴: موقعیت قرارگیری مسجد نو و بقعه احمد بن موسی نسبت به هم. گنبد بقعه احمد بن موسی (ع) از درون صحن مسجد نو دیده می‌شود. چهارسوق اتابکی از ورودی مسجد نو تا ورودی بقعه بود. مأخذ: دیولافوا، ۱۳۶۱: ۵۲



تصویر شماره ۳: موقعیت قرارگیری چهارسوق اتابکی در کنار بقعه احمد بن موسی (ع) مأخذ: دیولافوا، ۱۳۶۱



تصویر شماره ۵: صحن صیوی و دیواری که بر آن سنگ حجاری نصب شده بود بر روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش، مأخذ: بازباز، ۱۳۹۴: ۲۹

مسجد نو (مسجد جامع جدید) و چهارسوق اتابکی در قرن هفتم (دوره اتابکان) ساخته شد (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۳۴). چهارسوق اتابکی بین مسجد نو و امامزاده میراحمد قرار داشت. پس در قرن نهم در اصلی امامزاده میراحمد (ع) رویه‌روی در مسجد نو بود و بین آن دو چهارسوق اتابکی قرار داشت؛ موقعیت مکانی‌ای که تا دوره صفویه و حتی دوره پهلوی اول حفظ شده بود (تصاویر شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴). بنابراین می‌توان گفت صحن شمالی مجموعه از دوره اتابکان وجود داشته است؛ چراکه در ورودی مجموعه به آن باز می‌شده است. مؤید این ادعا بخشی از وقف‌نامه قرن دهم است:

اعاده نمود ارکان اربعه صحن صبوی جنب سامی و صفات و طاقات آن [...] و فرش صحن از احجار اتابکی مسبوقه و عمارات قدیم به سبب زلزله منهدم شده بود (نامعلوم، ۹۴۷ ق).

واقف از اعاده صحن صبوی سخن می گوید به این معنی که این صحن از قبل وجود داشته و وی آن را به صورت اول بازگردانده است. وی هم چنین از فرش صحن سخن می گوید که از سنگ‌های اتابکی گذشته بود. پس این صحن در دوره اتابکان وجود داشته (یا در دوره اتابکان ساخته شده) و سنگ فرش آن تا قبل از دوره صفوی متعلق به دوره اتابکان بوده است (بازیار، ۱۳۹۴: ۲۴).

به علاوه به نظر می رسد این صحن (صحن قدیمی و صبوی که در وقف نامه از آن یاد شده است) صحن اصلی بقعه بود و ورودی اصلی بقعه نیز درون این صحن و در جزر شمال شرقی بقعه قرار داشت. بخشی از وقف نامه صفوی، که در سال ۹۴۷ ق بر روی سنگی حجاری شد و در جزر باب صبوی بقعه نصب شد تا در معرض دید زائران قرار گیرد، این ادعا را تأیید می کند (تصویر شماره ۵). قرارگیری این سنگ بر دیوار در شمال شرقی نشان می دهد که این در، اصلی ترین در بقعه بود و بیش ترین رفت و آمد زائران از آن صورت می گرفت (پیشین: ۲۷).

مجموعه‌ای که در دوره صفویه حول شاه چراغ شکل گرفت در دوره قاجاریه در سال ۱۲۳۹ ق بر اثر زلزله‌ای شدید تخریب شد. پس از زلزله تنها توانستند بقعه را بازسازی کنند و کاروان سرا و حمام مجموعه سال‌ها مخروبه باقی ماند (مجدالاشراف، ۱۳۵۴: ۳۶). میرزا فضل الله خاوری، از متولیان شاه چراغ در دوره قاجاریه، حمام را در سال ۱۲۵۶ ق بازسازی کرد:

«[زمانی] که بقعه منوره از صدمه زلزله ویران گردید، حمامی که از قدیم الایام در میدان سمت جنوبی آن روضه منوره سالیان دراز وقف کرده متولیان سابق بود عالیها سافلها شد. اسبابی که به کار می آمد در مدت خرابی [...] بردند. [...] بعد از آنکه حقیر به دارالعلم شیراز آمدم و [...] صاحب منصب آبا و اجدادی شدم. [...] در عرض دو سال و نیم تا سه سال حمام را دایر کردند» (شریفی، ۱۳۴۴: ۶۸).

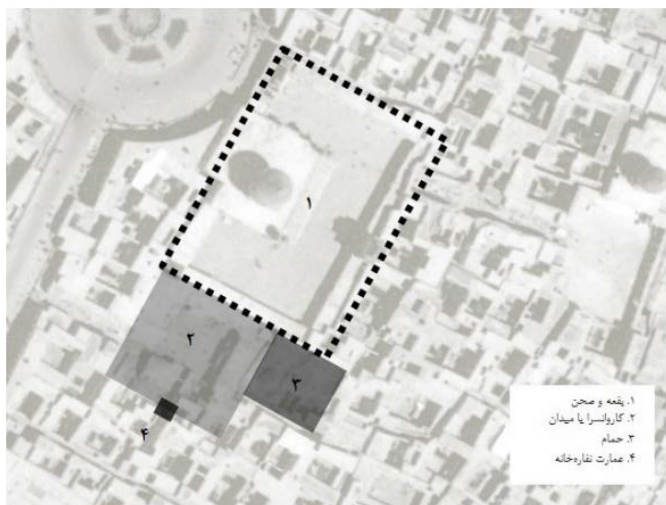
اما کاروان سرا^۵ در سال ۱۳۰۴ ق توسط میرزا جلال الدین مجدالاشراف، متولی وقت شاه چراغ، بازسازی شد. از آنجا که پس از زلزله ۱۲۳۹ ق تا سال‌ها این بنا ویران بود بخش هایی از آن را اطرافیان تصرف کرده بودند. در زمان بازسازی کاروان سرا این بخش‌ها دوباره خریداری شد. مجدالاشراف در این باره می نویسد:

«برادر مقامی حاجی محمد اسماعیل معمار آستانه مبارکه و سایر استادان را جمع نموده برای طراحی سمت رو به آفتاب تیمچه چون دکاکین از بازارچه حاجی محمد کاظم خان را به قیمت گزاف خریده شد و حال آنکه اراضیش بلاشک از آستانه است؛ چرا که سابقاً این میدان گاوکشها تیمچه دو طبقه

حضرتی بوده که چهل ذرع در چهل دو ذرع در طومار وقفنامه^۶ خبر داده‌اند در زلزله هفتاد سال قبل که بالکلیه بقعه و تیمچه خراب گردید و اقدامی از بزرگان ملک و ملت و اجماعی از عامه به سبب ارادت به آن حضرت شده [...] به هر زحمت بقعه مبارکه را به همان ارکان سابقه برپا نمودند دیگر مجال آنکه تیمچه مخروبه را کاری کرده باشند نشد که نشد. سالها خراب و ویران بود که الواط محل و مخلوق دور و بر هر چه خواسته برده و تصرف نمودند. قلیلی از آن تا حال باقی مانده ناچار همان دکاکین که عرضش از چهل ذرع در چهل ذرع بود به هزار معرکه آرایی و منت خریده شد به قیمت گزافی خراب کرده طرح رو به آفتاب را به اجماع اساتید می ریختند» (مجدالاشراف، ۱۳۵۴: ۳۵-۳۶).

پس مجدالاشراف بنایی را بازسازی کرد که مطابق وقف نامه صفوی «تیمچه دو طبقه حضرتی» بود و در زلزله ۱۲۳۹ ق تخریب و به مرور به میدان گاوکش‌ها مشهور شده بود. صاحب فارسنامه ناصری نیز از این بنا با نام «کاروانسرای شاه چراغ» و از حمام یاد شده با نام «حمام میدان شاه چراغ» یاد کرده است (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۲۵).

بنابراین، مجموعه ساخته شده در دوره صفوی که بر اثر زلزله سال ۱۲۳۹ ق تخریب شده بود به مرور زمان بازسازی شد. علاوه بر بازسازی کاروان سرا و حمام نشانه‌هایی نیز از بازسازی نقاره‌خانه در اواخر سده سیزدهم قمری وجود دارد. در وقف نامه‌ای از سال ۱۲۹۹ و ۱۳۰۴ ق مربوط به فردی به نام حاجی نظرعلی تاجر شیرازی برای نشانی دادن از این نقاره‌خانه ذکر می‌کند: «محل سردزک جنب نقاره‌خانه آستانه احمدیه» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). پس در سال ۱۲۹۹ ق نقاره‌خانه آستان، کالبد داشته است. به احتمال زیاد این بنا نیز در زلزله ۱۲۳۹ ق ویران و پس از آن بازسازی شده بود. این مجموعه تا اواخر دهه ۴۰ ش برجا بود، اما پس از آن بخش‌هایی چون حمام، کاروان سرا، عمارت نقاره‌خانه و حتی حجره‌های صحن در طرح توسعه شاه چراغ به طور کامل تخریب شدند. در دوره پهلوی



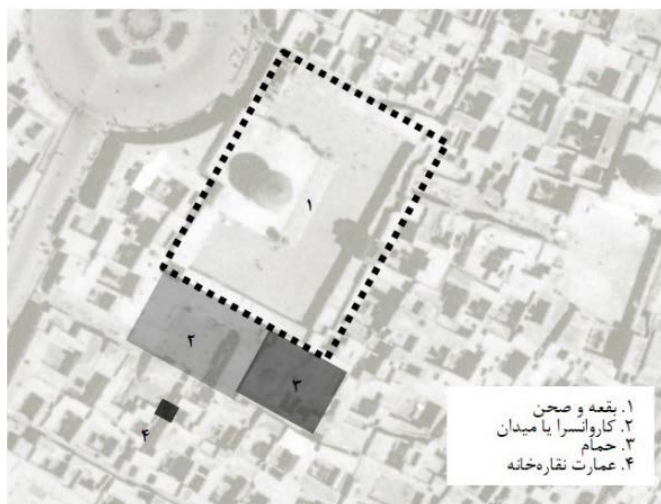
تصویر شماره ۶: محل قرارگیری اجزای مجموعه شاه چراغ در دوره صفویه بر روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش. کاروانسرای دوره صفویه ۴۰ در ۴۲ ذرع بود و عمارت نقاره‌خانه در جبهه جنوبی آن قرار داشت؛ مأخذ: بازیار، ۱۳۹۴: ۳۱

نتوانستند این زمین های تصاحب شده را باز پس گیرند. بنابراین کاروان سرا با توجه به ابعادش در دوره صفویه با عمارت نقاره خانه هم مرز بوده است. می توان احتمال داد که عمارت نقاره خانه در ضلع جنوبی کاروان سرا قرار داشته است. این در حالی است که در دوره پهلوی بنا بر نوشته سلاخی نقاره خانه جدا از کاروان سرا و در وسط کوچه ای در جنوب آن واقع شده بود. اما حمام هم در دوره پهلوی و هم در دوره صفوی بنا بر وقف نامه در ضلع شرقی کاروان سرا قرار داشت. محدوده حمام بر روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش با توجه به بام آن مشخص است. بنابراین روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش می توان محدوده قرارگیری اجزای مختلف مجموعه را در دوره صفویه و قاجاریه تعیین کرد (تصاویر شماره ۶ و ۷).

بین بقعه و بناهایی که در این دوره ساخته شد پیوندهای مختلف کالبدی - فضایی، وقفی، حمایتی و ذهنی وجود داشت. این بناها که بانی شان مشترک بود، در دوره زمانی مشخصی در محدوده مکانی خاص و حول بنایی شاخص شکل گرفته بودند. آن ها در جوار یکدیگر ساخته شده بودند و به هم راه داشتند. با توجه به ساخته شدن هم زمان آن ها شاید بتوان به مصالح و تزئین های مشابه در برخی از این بناها و به علاوه تکنیک های ساخت مشترک اشاره کرد.

تعمیرات بقعه و ساخت بناهای جدید به دست حامیان مشترک انجام می شد. چنان که میرزا حبیب بانی این بناها و فردی به نام خواجه مظفرالدین علی مباشر و معمار و سرکار آن ها بود (زارع، ۱۳۹۰: ۸). بناهایی چون حمام و کاروان سرا، در نزدیکی بقعه، وقف بر آن بودند. به علاوه بقعه موقوفاتی در سطح شهر و خارج از شهر داشت که علاوه بر خود بقعه بناهای ساخته شده در این دوره را نیز تأمین می کرد؛ به گونه ای که اگر یکی از این بناها تخریب می شد از محل درآمد موقوفات تعمیر می شد (نامعلوم، ۹۴۷ ق). بنابراین پیوند حمایتی و وقفی بین این بناها و بقعه وجود داشت.

به علاوه با توجه به این که نام مکان معرف نوع ذهنیت در مورد آن مکان است، نام این بناها که به احمد بن موسی (ع) و در زمانی بعد به شاه چراغ منتسب می شد از پیوند ذهنی بین این بناها و بقعه خبر می داد. بنابراین، این بناها به علت حضور بقعه در این مکان و حول آن شکل گرفته بودند و پیوندهای مختلفی با آن داشتند؛ آن چه می تواند بقعه را به همراه این بناها تحت یک علاقه جمع کند. در واقع می توان از بقعه و این بناها به مثابه یک مجموعه سخن گفت. بنا بر آن چه گفته شد پس از پیدا شدن مدفن احمد بن موسی (ع) در قرن هفتم ق بنایی بر آن ساخته شد. در قرن هشتم ق، در تداوم سنت مجموعه سازی ای که از قرن پیش تر در شیراز آغاز شده بود، بناهایی چون مدرسه و زاویه و مقبره تاشی خاتون حول



تصویر شماره ۷: محل قرارگیری اجزای مجموعه شاه چراغ در دوره پهلوی بر روی عکس هوایی ۱۳۳۵ ش. بخش هایی از کاروان سرا را اطرافیان پس از زلزله ۱۲۳۹ ق تصرف کردند. پس کاروان سرا در دوره پهلوی ابعاد کوچک تری نسبت به دوره صفوی داشت؛ مأخذ: کاراندیش و زارع، ۱۳۹۰: ۷۲

دوم (سال ۱۳۴۱ ش) سلاخی این مجموعه را چنین توصیف می کند: «درب جنوبی بقعه شاه چراغ به صحن کوچکی باز می شود [...] این محوطه دارای حجرات متعدد است [...] و بسیار شبیه تجارتخانه های قدیمی می باشد و از آنجا رو به مشرق که بیرون روند می رسند به حمام حضرتی که از موقوفات امامزاده است و [...] رو به جنوب می رسند به عمارتی که سابقاً نوشته های حضرت آنجا جمع شده و نوبتی (نقاره) می زدند و به عمارت نقاره خانه مشهور است» (نیری، ۱۳۷۸: ۱۱۴ و ۱۱۵). از دوره صفویه و یا قاجاریه سندی تصویری برای تعیین حدود بقعه و کاروان سرا و حمام و عمارت نقاره خانه وجود ندارد. چنان که طبق متون بررسی شده محدوده قرارگیری این بناها در دوره صفویه تا حدود زیادی همان محدوده قرارگیری شان در دوره پهلوی بوده است. بنابراین با شناسایی محدوده این بناها با توجه به مدارک دوره پهلوی می توان موقعیت قرارگیری آن ها را نسبت به بقعه در دوره صفوی نیز پیدا کرد. تنها سند تصویری که می توان روی آن محدوده قرارگیری این بناها را در دوره صفویه با مقابله و مقایسه آن تصویر با متون ذکر شده شناسایی کرد عکس هوایی ۱۳۳۵ ش است (تصاویر شماره ۶ و ۷).

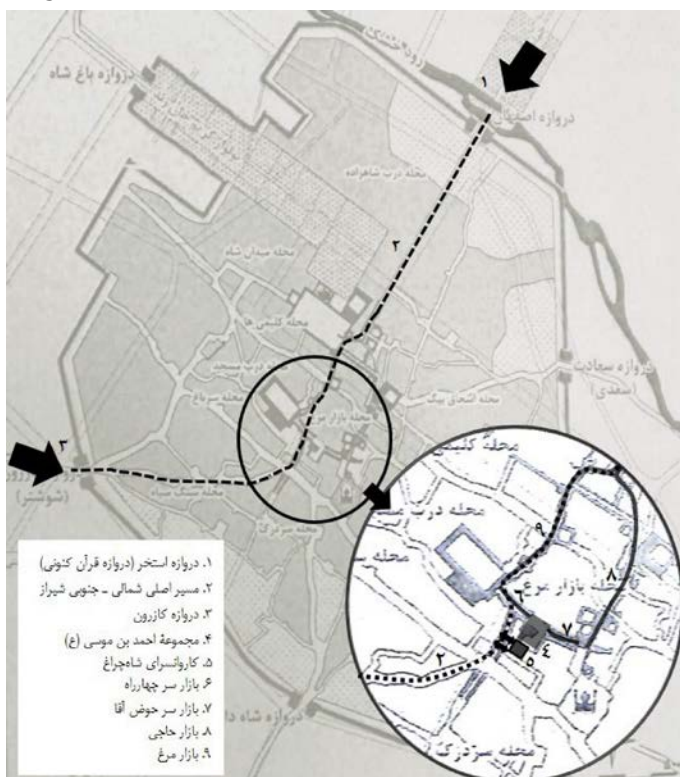
بر روی این عکس هوایی صحنی که در جنوب بقعه دیده می شود صحن کاروان سرائی است که در دوره قاجاریه بازسازی شد. از این رو سلاخی در دوره پهلوی آن را به تجارتخانه های قدیمی تشبیه کرده است. بخش های ساخته شده حول این صحن نیز حجره های کاروان سرا است. در وقف نامه صفوی از این صحن با «طول شمالاً فی الجنوب چهل ذرع و عرض آن قبله فی الصبا چهل و دو ذرع» (نامعلوم، ۹۴۷ ق) یاد شده است، در حالی که ابعاد این صحن در دوره پهلوی کم تر از این مقدار بوده است؛ چراکه پس از زلزله ۱۲۳۹ ق و تخریب کاروان سرا بخش هایی از اراضی آن را اطرافیان تصاحب کردند و در هنگام بازسازی کاروان سرا

این بقعه ساخته شد؛ بناهایی که به اعتبار بقعه احمد بن موسی (ع) موجودیت می‌یافتند. از قرن هشتم تا قرن دهم ق تعمیری در این مجموعه صورت نگرفت به گونه‌ای که در قرن دهم ق بخش‌هایی از مجموعه چون مدرسه از بین رفت و بخش‌هایی چون بقعه نیمه‌خرابه بودند. در این زمان بقعه تعمیر شد و بناهای مختلفی چون میدان و کاروان‌سرا و حمام و نقاره‌خانه و ... در اطراف آن ساخته شد. بناهایی که با برقراری پیوندهای مختلف کالبدی و ذهنی و حمایتی و ... با بقعه می‌توانند به همراه بقعه به مثابه مجموعه‌ای شهری بازتعریف شوند (نمودار شماره ۲).

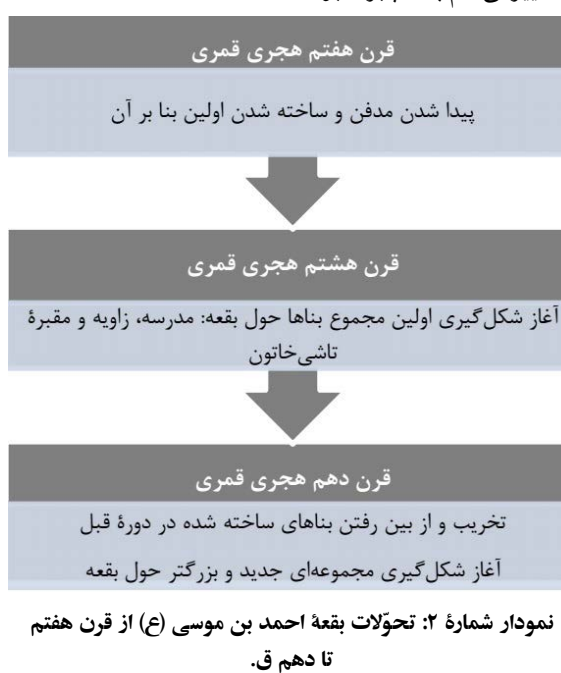
شکل‌گیری چنین مجموعه‌ای در این دوره توسط یکی از صاحب‌منصبان حکومتی نشان می‌دهد که چگونه در دوره صفویه با زمینه اقتصادی مناسب، حامیانی با ساخت و سازهای بزرگ به خصوص حول بناهای مذهبی‌ای چون بقعه احمد بن موسی (ع)، در سیاست‌های دینی حاکمان مشارکت می‌کردند. در واقع تغییر سیاست حاکمان و رواج تشیع سبب توجه هرچه بیش‌تر به بناهایی چون بقعه احمد بن موسی (ع) شده بود. واگذار شدن تولید به فردی وابسته به حکومت و صاحب‌منصب شیخ‌الاسلامی و کلاتری و قضاوت در زمانی که بستر مناسب اقتصادی فراهم بود زمینه گسترش بقعه و شکل‌گیری مجموعه‌ای جدید را ایجاد کرد؛ مجموعه‌ای که تا دوره پهلوی اول با اندک تغییراتی هم‌چنان پابرجا بود.

تشیع از رونق بعضی خانقاه‌ها و تکایا کم شد؛ مانند رباط و خانقاه شیخ ابوعبدالله خفیف و شیخ روزبهان و شیخ ابودرعه و رباط مقاریضی در محله باهلیه. برعکس بقعه‌های امام‌زادگان و عارفان شیعی مذهبی مورد توجه قرار گرفت و بر توسعه و رونق آن‌ها افزوده شد (افسر، ۱۳۵۳: ۱۶۷). برای نمونه ساختمان کنونی امام‌زاده سید علاءالدین حسین به جا مانده از دوره صفویه است و تاریخ ۹۲۳ ق و نام حاکم فارس در آن زمان را بر خود دارد (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۶۸). به علاوه مصطفوی بنای اصلی امام‌زاده میرمحمد را نیز متعلق به دوره صفویه می‌داند (پیشین: ۶۴). امام‌زاده احمد بن موسی (ع) نیز در همین دوره مورد توجه بیش‌تری قرار گرفت و مجموعه‌ای جدید، چنان‌که در بخش قبل آمد، حول آن شکل گرفت. شکل‌گیری این مجموعه سبب توسعه ارتباط بقعه با شهر نیز شد.

در دوره صفویه به نظر می‌رسد اصلی‌ترین گذر، گذر شمالی- جنوبی شیراز بود که از دروازه استخر (دروازه قرآن کنونی) آغاز و به دروازه کازرون ختم می‌شد و بین شهرهای شمالی و جنوبی شیراز ارتباط برقرار می‌کرد. بازارهای اصلی شهر در این مسیر شکل گرفته بود و بناهای مهم حکومتی صفوی نیز در کنار آن قرار داشت. این گذر اصلی از کنار بقعه احمد بن موسی (ع) نیز می‌گذشت. در واقع این مسیر ماهیتی تجاری، سیاسی و حتی مذهبی داشت. با ساخته شدن کاروان‌سرای احمد بن موسی (ع)

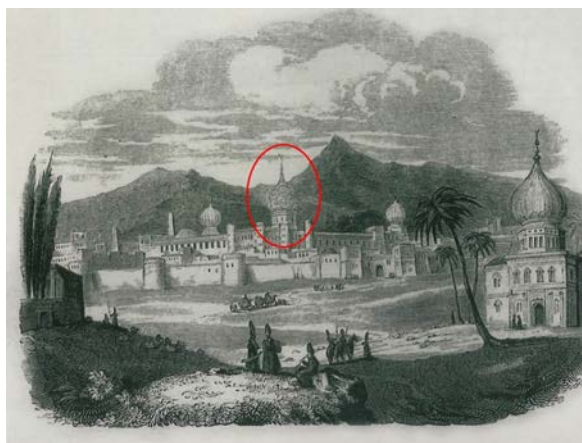


تصویر شماره ۸: موقعیت قرارگیری مجموعه احمد بن موسی (ع) در مرکز شهر و در کنار مسیر اصلی شمالی و جنوبی. با ساخته شدن کاروانسرای شاه‌چراغ در جنوب بقعه ارتباط تجاری مجموعه با این مسیر اصلی برقرار شد و با شکل‌گیری دکان‌های صحن مجموعه با جریان تجاری و تفریحی بازارهای اطراف همراه شد. مأخذ نقشه پایه: پاکزاد، ۱۳۹۰: نقشه ۱۰۶



تحولات مجموعه در شهر

پیش از حکومت صفوی مذهب در ایران مجموعه‌ای بود آمیخته از تسنن، تصوف و تشیع، و خانقاه‌ها نقش مهمی در زندگی مردم داشتند. دولت‌ها هم به طور غالب سنی بودند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۳). در دوره صفویه در شهر شیراز با رواج



تصویر شماره ۹: بقعه احمد بن موسی (ع) در مرکز شهر بود و بزرگترین گنبد را داشت. مأخذ: کاراندیش و زارع، ۱۳۹۰: ۳۱

در این دوره موقوفه‌های مجموعه در شهر و حتی خارج از شهر نیز نسبت به قبل گسترش یافت. پیش از آغاز دوره صفویه موقوفات بقعه به قریه میمند و شش قطعه زمین در قصرالدشت و یک سوم قریه تبدیان در حومه شیراز محدود بود. اما با آغاز دوره صفویه میرزا حبیب، متولی مجموعه، و شاه تهماسب و دیگران موقوفه‌های زیادی از قریه و مزرعه و بستان و بازار و بناهای مختلف در شهر شیراز و حتی در حومه و بلوکات آن برای مجموعه تعیین کردند (نامعلوم، ۹۴۷ ق). بنابراین در دوره صفویه موقوفات مجموعه بسیار گسترش یافت؛ آن‌چه مؤید جایگاه جدید مجموعه احمد بن موسی (ع) در شهر در دوره صفویه بود.

با ساخته شدن کاروان‌سرای شاه‌چراغ در جنوب بقعه بخش تجاری مجموعه با جریان تجاری مسیر اصلی شمالی - جنوبی شهر همراه شد؛ مسیری که از بازارهای اصلی و کاروان‌سراهای مهم شیراز می‌گذشت. به علاوه با شکل‌گیری دکان‌های صحن جریان تجاری و تفریحی در همراهی با بازارهای مهم اطراف چون بازار مرغ و بازار حاجی و بازارهای دیگری چون بازار سر چهارراه (بازار بین شاه‌چراغ و مسجد نو) و بازار سر حوض آقا (بازار بین شاه‌چراغ و امام‌زاده میرمحمد) شکل گرفت. ساخته شدن حمام شاه‌چراغ در شرق کاروان‌سرا فضایی عام‌المنفعه در خدمت شهر را ایجاد کرد؛ فضایی که محل رجوع روزانه مردم بود. شربت‌خانه و آش‌خانه مجموعه نیز محلی برای خدمت به شهر و نیازمندان آن بود. به علاوه عمارت نقاره‌خانه فضایی را برای شهر فراهم می‌کرد که بتوان از آن طریق اخبار را به مردم رساند و وقت را به آنان اعلان کرد. گسترش وسیع موقوفات مجموعه در دوره صفوی نسبت به دوره‌های قبل علاوه بر تأمین بقای کارکردهای شهری شکل گرفته در مجموعه پیوند مجموعه را نیز با بخش‌های مختلف شهر و حتی خارج از شهر گسترده‌تر می‌کرد و بر ذهنیت افراد در به جا آوردن بخش‌های مختلف شهر با مجموعه شاه‌چراغ تأثیر می‌گذاشت.

در جنوب بقعه در کنار این مسیر و در همراهی با جریان تجاری آن، پیوند مجموعه احمد بن موسی (ع) با این گذر اصلی در شهر مستحکم‌تر شد (تصویر شماره ۸). به علاوه با ساخته شدن دکان‌ها جنبه اقتصادی و حتی تفریحی این مجموعه در همراهی با بازارهای اطراف پررنگ‌تر شد. کارکردهای شهری جدیدی که در این دوره در مجموعه شکل گرفت گویای گسترش ارتباط مجموعه با شهر و حتی خارج از شهر است:

«... و ترتیب طعام لیل و نهار جمعه و عیدین و آش یومی فقرا و مساکین و عابرین و نازلین یومیه دهند و ده من نان در وجه صدقه فرق همایون شاه عالم پناه تهماسب به مستحقان دهند. و ترتیب شربت‌خانه جهت ضیافت زائرین و فقرا نماید و فرش و روشنایی و وظایف حفاظ و موذن و خادمان حسب‌الضرورت نمایند. و یکصد پیراهن و سی کپنک (=بالاپوش) و سی پافزار در [هر] سالی به مستحقین دهد» (زارع، ۱۳۹۰: ۸).

بنابراین مجموعه احمد بن موسی (ع) با داشتن اجزایی چون آش‌خانه و شربت‌خانه محلی برای تأمین خوراک و به علاوه پوشاک نیازمندان و فقیران سطح شهر و حتی زایران خارج از شهر بود. حمام مجموعه نیز نمودی از گسترش این ارتباط با شهر بود چنان‌که محلی برای استحمام اهالی محله‌های نزدیک و به علاوه زایران سطح شهر و یا خارج آن بود.

در این دوره مجموعه احمد بن موسی (ع) در مرکز شهر قرار داشت و مهم‌ترین مجموعه مذهبی و زیارتی شهر شد. میزان اهمیت این بقعه را در این زمان می‌توان از میان روایت‌های مختلف جستجو کرد. برای نمونه تاورنیه، جهانگرد فرانسوی، در دوره صفویه بقعه احمد بن موسی (ع) را بهترین بنای آجری در شهر معرفی می‌کند که برخلاف دیگر بناها در مقابل باران تاب آورده و به سبب قداستش بیش از دیگر بناها نگهداری شده است (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۳۳۵). به علاوه در وقف‌نامه این دوره بقعه امام‌زاده میراحمد (ع) «اظهر و اوضح بقاع و اشرف و انور مزارات بلده» معرفی شده است (نامعلوم، ۹۴۷ ق). در تصویری به جا مانده از دوره صفویه بقعه احمد بن موسی (ع) در مرکز شهر و با گنبدی بزرگ‌تر از دیگر گنبد‌های شهر کشیده شده است (تصویر شماره ۹). مرکزیت یافتن این مجموعه در شیراز و توجه به آن را می‌توان در اشعار متعددی که اهلی شیرازی (۸۵۸ - ۹۴۲ ق) برای آستان این حضرت سروده است، دید. این در حالی است که تا پیش از آن ابیات کمی درباره احمد بن موسی (ع) سروده شده بود (مرادی، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

با توجه به آن‌چه گفته شد مجموعه احمد بن موسی (ع) در این دوره علاوه بر قرارگیری در مرکز عینی شهر مرکز ذهنی شهر نیز بود. در همین دوره کم‌کم امام‌زاده احمد بن موسی (ع) به شاه‌چراغ معروف شد (پیشین) و پس از مدتی حتی محدوده اطراف مجموعه، محله شاه‌چراغ نام گرفت (افسر، ۱۳۵۳: ۱۶۷).

جدول شماره ۱: تغییرات شاه چراغ در دوره صفویه و نسبت آن

تغییرات با شهر

تغییرات شاه چراغ در دوره صفویه	نسبت تغییرات مجموعه شاه چراغ با شهر
ساختن کاروانسرای شاه چراغ	- فعال شدن بخش تجاری مجموعه در ارتباط با شهر - همراهی مجموعه شاه چراغ با جریان تجاری مسیر اصلی شمالی - جنوبی شهر
شکل گیری دکان های صحن شاه چراغ	- همراهی مجموعه شاه چراغ با جریان تجاری و تفریحی بازارهای مهم شهر در اطراف مجموعه (بازار حاجی، بازار مرغ، بازار سر چهارراه، بازار سر حوض آقا)
ساختن حمام شاه چراغ	- شکل گیری مکانی عمومی در خدمت شهر (بنای عام المنفعه) - محل رجوع روزانه مردم شهر و معاشرت آنها
اضافه شدن شربت خانه و آش خانه به مجموعه شاه چراغ	- شکل گیری مکانی در خدمت نیازمندان شهر - تأمین خوراک فقیران و مستحقان شهر و زائران
ساختن عمارت نقاره خانه	- اعلان وقت و اخبار به شهر
تعیین موقوفه های مختلفی در سطح شهر و خارج از آن برای مجموعه	- شکل گیری ذهنیت متفاوتی از شهر و شناخته شدن موقوفه ها در سطح شهر و خارج از آن با شاه چراغ در ذهنیت مردم - گسترده تر شدن ارتباط مجموعه با اجزای شهر و خود شهر

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان می دهد که چگونه تغییر شرایط زمانه یا به عبارت دیگر تغییر سیاست های نظام حاکم، تحولات اقتصادی و ... باعث شکل گیری تحولاتی در زمینه معماری و شهرسازی می شود. جایگاه جدید مجموعه احمد بن موسی (ع) در دوره صفویه و گسترش بقعه در قرن دهم ق، نمود اوضاع سیاسی، مذهبی و اقتصادی دوران صفویه بود. با رواج تشیع و تولیت مجدد خاندان شریفی که صاحب منصب های مهم حکومتی و در زمینه اقتصادی مناسب سیاست های دینی حاکمان در این دوره بودند، از ساخت چنین مجموعه هایی حمایت می شد.

بقعه احمد بن موسی (ع)، که به نظر می رسد از قرن هشتم ق پس از ساخت و سازهای تاشی خاتون تا آغاز قرن دهم بدون تعمیر رها شده بود، در نیمه اول قرن دهم ق تعمیر اساسی شد و اجزای جدیدی چون بقعه دو طبقه کاظمیه و کاروانسرا و حمام و نقاره خانه و ... به آن اضافه شد. اجزایی که بیانگر شکل گیری مجموعه ای جدید مطابق با شرایط زمانه و در زمینه خاص دوره صفوی بود و زمینه ارتباط هر چه بیشتر مجموعه را با شهر فراهم آورد و مجموعه را بیش از پیش در پیوند با استخوان بندی شهر قرار داد. کارکردهای شهری مجموعه در این دوره نمایانگر حضور فعال مجموعه در شهر بود. شکل گیری کاروانسرای مجموعه در همراهی با جریان تجاری مسیر اصلی شمالی - جنوبی، ساخته شدن دکان های اطراف صحن در کنار بازارهای مهم اطراف مجموعه و متناسب با کارکردهای آن ها، احداث حمام مجموعه به منزله محل رجوع روزانه مردم و شکل گیری نقاره خانه به مثابه محل اعلان وقت و اخبار خاص و ... نمودهایی از گسترش ارتباط مجموعه با شهر و حضور مجموعه

احمد بن موسی (ع) در جایگاه جدیدی به مثابه فضایی شهری در شیراز صفوی بود. علاوه بر این موقعیت قرارگیری مجموعه در مرکز شهر و در همسایگی فضاهای مهمی چون مسجد نو و مسجد عتیق و بازارهای بزرگ و گذر اصلی شهر نیز به گسترش ارتباط مجموعه با شهر کمک می کرد. این حضور فعال مجموعه در شهر به همراه موقعیت قرارگیری مجموعه در مرکز عینی شهر، آن را نه تنها به «اظهر و اوضح بقاع» (نامعلوم، ۹۴۷ ق) که به «اشرف و انور مزارات بلده» (پیشین) نیز تبدیل کرده بود. تسری یافتن نام جدید مجموعه (شاه چراغ) به محله اطراف آن و گسترش یافتن موقوفات مجموعه در سطح شهر و حومه و بلوکات حتی توسط حاکم ایران، نشان از جایگاه جدید این مجموعه در شهر شیراز دوره صفویه و حتی فراتر از آن دارد. جایگاهی که در دوره های بعد نیز در صورت های گوناگون تداوم می یابد به گونه ای که در دوران معاصر، شیراز را به «سومین حرم اهل بیت (علیهم السلام)» معروف می کند.

پی نوشت ها

۱. در فرهنگ مهرازی ذیل «زاویه» معانی زیر آمده است: گوشه، خانه، حجره، نمازخانه، ربات، کاروانسرای ویژه تهی دستان، خانقاه (رفیعی سرشکی و همکاران، ۱۳۸۲). در اینجا زاویه با توجه به آن چه ابن بطوطه گفته است مکانی بود که به مسافران طعام داده می شد.
۲. در دوران صفویه صدر مقامی مذهبی بود که از طرف پادشاه ریاست محکمه های شرعی را عهده دار می شد. مهم ترین وظایف صدر اداره موقوفات و نظارت قضایی بود. تعیین حاکمان شرع، مباشران، علما و مدرسان و شیخ الاسلام ها و قاضی ها و پیش نمازان و متولیان و ... با صدر بود (حسینی و رضوانی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۶۱).
۳. شیخ الاسلام ها و قاضیان امور قضایی را انجام می دادند. برای مطالعه بیش تر نک: پیشین: ۱۶۲.
۴. در یکی از گواهی های این وقف نامه تاریخ «تسع و ستین و ثمانمائه» یعنی ۸۶۹ ق آمده است. از طرفی واقف در متن وقف نامه «رجوع فرمود تولیت این وقف را به [...] محمدبن منصور [...] الدشتکی». محمدبن منصور دشتکی از سال ۸۲۸ ق تا ۹۰۳ ق زندگی می کرد. به علاوه در این وقف نامه از ابوالمظفر جهان شاه به عنوان پادشاه وقت یاد می کند. ابوالمظفر جهان شاه (۸۴۱ - ۸۷۲ ه) معروف ترین پادشاه از سلسله قراقونلوهاست. (خواندمیر، ۱۳۶۷: ۴۷۸ - ۴۸۲). با مقایسه این تاریخ ها و تلاش برای یافتن سال های مشترک آنها به نظر می رسد این وقف نامه مربوط به نیمه دوم قرن نهم است.
۵. در منابع مختلف از این بنا با نام هایی چون میدان (وقف نامه صفوی)، کاروانسرا (رازی، ۱۳۷۸: ۲۴۳) و تیمچه (مجدالاشرف، ۱۳۵۴: ۳۵ و ۳۶) یاد شده است.
۶. منظور وقف نامه به جا مانده از دوره صفویه است.
۷. به آستانه احمد بن موسی (ع) معروف به شاه چراغ در این زمان آستانه احمدی هم گفته می شد (به سبب نام حضرت که احمدبن موسی (ع) است).
۸. مجموعه های دیگری هم در این قرون (قرن ۷ و ۸) در شیراز ساخته شده بود؛ از جمله در قرن ۷ ق وزیر اتابک تلکه در نزدیکی مسجد جامع عتیق، مدرسه و رباط و سقایه ای ساخت. یا وزیر اتابک ابوبکر به نام فخرالدین ابوبکر نزدیک خانه اتابک مسجد جامع و مدرسه و رباط و دارالشفاء و دارالحدیث به نام فخری ساخت (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۵۲ و ۱۵۳).

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن بطوطه، (۱۳۳۷)، **سفرنامه ابن بطوطه**. ترجمه محمد علی موحد، زیر نظر احسان یارشاطر، مجموعه ایران شناسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲. افسر، کرامت‌الله، (۱۳۵۳)، **تاریخ بافت قدیمی شیراز**، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
۳. افشار، ایرج، (۱۳۸۵)، **فرهنگ ایران زمین**، جلد ۲۰، سخن، تهران.
۴. اهری، زهرا و حبیبی، محسن، (۱۳۹۴)، **میدان بهارستان: تجربه نوآوری در فضای شهری ایرانی**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۵. بازیار، مرضیه، (۱۳۹۴)، **بازشناسی مجموعه شاه چراغ (ع) به مثابه فضای شهری در دوره قاجاریه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی مهندس عادل فرهنگی و مشاوره دکتر زهرا اهری. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.
۶. بلر، شیلا، (۱۳۸۷)، **معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد**، ترجمه ولی‌الله کاوسی، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۷. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۹۰)، **تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۸. تاورنیه، ژان بابتیست، (۱۳۸۹)، **سفرنامه تاورنیه**، ترجمه ارباب شیرافی، انتشارات نیلوفر.
۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۹)، **صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست**، جلد ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۰. جنید شیرازی، جنید بن محمود، (۱۳۶۴)، **هزار مزار**، کتابخانه احمدی، شیراز.
۱۱. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۰)، **از شار تا شهر**، تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.
۱۲. حسینی، سید محمد و رضوانی فرد، احمد، (۱۳۹۰). «ساختار نظام قضایی عصر صفوی»، **مجله حقوق**، شماره ۲۳، ص ۱۵۵ - ۱۷۰.
۱۳. حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، (۱۳۶۷)، **فارسنامه ناصری**، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۴. خواندمیر، (۱۳۶۷)، **حبیب‌السیوری**، ج ۳، به کوشش محمود دبیرسیاقی، خیام، تهران.
۱۵. رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، **تذکره هفت اقلیم**، به تصحیح محمدرضا طاهری، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
۱۶. رضائی، امید، (۱۳۸۲)، **فهرست اسناد موقوفات ایران**، دفتر اول: استان فارس، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.
۱۷. رفیعی سرشکی، بیژن و رفیع‌زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد، (۱۳۸۲)، **فرهنگ مهرازی ایران**، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
۱۸. زارع، ایمانعلی، (۱۳۹۰)، **بازنویسی سند سنگ‌نوشته منصوب در دیوار بقعه حضرت احمد بن موسی (ع)**، معاونت اوقاف آستان احمدی و محمدی، شیراز.
۱۹. زاهدی، سید یاسین، (۱۳۸۸)، «احمد بن موسی (ع)»، **دن: سخن تاریخ**، شماره پنجم، ص ۹۰ - ۱۱۱.
۲۰. زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر، (۱۳۸۹)، **شیرازنامه**، به کوشش محمد جواد جدی و احسان‌الله شکراللهی، مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» تهران.
۲۱. دیولافوا، مادام ژان، (۱۳۶۱)، **سفرنامه مادام دیولافوا**، ترجمه علی فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. شریفی، سید ابراهیم، (۱۳۴۴)، **چراغ ایمان یا گلچین شریفی**، شیراز.
۲۳. کاراندیش، فریده و زارع، فرزاد، (۱۳۹۰)، **ماه تمام**، انتشارات آستان احمد بن موسی، شیراز.
۲۴. مجدالاشرف، جلال‌الدین محمد، (۱۳۲۳ ق)، **حالات فیض آثار حضرت احمد بن موسی الکاظم**، شیراز.
۲۵. مرادی، محمد، (۱۳۹۴)، «بررسی سیر شهرت نام و مرقد مطهر احمد بن موسی (ع) در شیراز به روایت متون ادبی و نخستین اشعار سروده شده در ستایش آن حضرت تا آغاز عصر صفوی»، **در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی پژوهشی سومین حرم اهل بیت (ع)**، ارم شیراز، ص ۱۶۵ - ۲۰۸، شیراز.
۲۶. مصطفوی، سید محمد تقی، (۱۳۴۳)، **اقلیم پارس (آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس)**، انجمن آثار ملی، تهران.
۲۷. نامعلوم، (۹۴۷ ق)، **وقف‌نامه صفوی حبیب‌الله الشریفی مربوط به احمد بن موسی (ع)**، دز: معاونت اوقاف آستان احمدی و محمدی.
۲۸. نیری، محمد یوسف، (۱۳۷۸)، **دو رساله در حالات و کرامات حضرت شاه چراغ**، انتشارات دانشگاه شیراز.
۲۹. هیلن براند، ربرت. «مقابره»، ترجمه کرامت‌الله افسر. دز: کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۷)، **معماری ایران (دوره اسلامی)**، تهران: انتشارات سمت.

